

اخلاق شهروندی: مقوله‌ای بین‌رشته‌ای

محسن فرمهینی فراهانی^{*۱}

۱. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد

* نویسنده مسئول: farahani@shahed.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر، جایگاه اخلاق و ارزش‌ها در تربیت شهروندی و همچنین بررسی رابطه میان اخلاق و تربیت شهروندی را بیان کرده‌است.

روش: ماهیت پژوهش بنیادی و روش انجام پژوهش، تحلیل اسنادی بوده‌است.

یافته‌ها: از عمده‌ترین دستاوردهای پژوهش در رابطه با پرسش یک تحقیق، یعنی جایگاه اخلاق و ارزش‌ها در تربیت شهروندی، باید گفت که *افلاطون* معتقد است که ارزش‌های شهروندی مطلق و تغییرناپذیرند. *ارسطو* نیز باور دارد که ارزش‌های شهروندی از طریق عقل انسان قابل کشف و شناسایی هستند، و این ارزش‌ها ذاتی، غیرقابل تغییر و عمومی می‌باشند. *روسو* بر این باور است ارزش‌هایی که در تربیت شهروندی باید مورد استفاده قرارگیرد بایستی از تعادل انسان با محیط سرچشمه‌گیرند. *دیویی*، ارزش‌هایی که در تربیت شهروندی باید استفاده‌شود را نسبی و به شرایط خاص اجتماعی روانی، فرهنگی و به‌طور کلی شرایط معین وابسته می‌داند. *فاراابی* نیز به ارزش‌هایی نسبی در تربیت شهروندان قائل است. *فوکو* و *دریدا* معتقدند که یک شهروند شایسته‌بودن، به تبع شرایط و اوضاع و احوال تاریخی معنا دارد و امری نسبی است. در رابطه با پرسش دو تحقیق، یعنی منابع اخلاق شهروندی در کشورمان (ایران) منابع دینی، سنتی و فرهنگی، منابع اصلی اخلاق محسوب می‌شوند. در رابطه با پرسش سوم تحقیق می‌توان کرامت، آزادی، احسان و رأفت را از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی اخلاق شهروندی برشمرد. در رابطه با سؤال چهارم تحقیق ارتباط میان تربیت شهروندی و اخلاق باید گفت تعلیم و تربیت شهروندی با مفهوم ارزش‌ها و اخلاق آمیخته بوده و در آن نقش ارزش‌ها و اخلاق برجسته است.

نتیجه‌گیری: تعلیم و تربیت شهروندی با مفهوم ارزش‌ها و اخلاق آمیخته‌شده‌است. بنابراین اخلاق شهروندی مقوله‌ای عمومی و بین‌رشته‌ای است که تمام دیسپلین‌ها و رشته‌های علمی باید به آن بپردازند. اگر بپذیریم تربیت شهروند خوب و اخلاقی باید یکی از اهداف هر نظام آموزشی باشد، آنگاه اخلاق شهروندی در این میان نقش کلیدی پیدا خواهد کرد.

واژگان کلیدی: تربیت شهروندی، ارزش‌شناسی و اخلاق، اخلاق شهروندی، بین‌رشته‌ای.

مقدمه

بی‌گمان تربیت شهروندان خوب از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های بیشتر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیاست. برای نمونه، همان‌طور که در گزارش جدید مطالعه تربیت شهروندی «انجمن بین‌المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی» آمده‌است، تمامی جوامع معاصر این نگرانی و دل‌مشغولی عمیق را دارند که چگونه نوجوانان و جوانان خود را برای زندگی شهری و شهروندی آماده‌کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی را به آنها بیاموزند (۱). کار فلسفه در عصر ما بررسی ارزش‌ها یا آنچه در یک اجتماع یا اجتماعات انسانی با ارزش تلقی می‌شود است (۲). مطالعه کلی ارزش‌ها را که شامل اخلاق و زیبایی‌شناسی است ارزش‌شناسی می‌گویند (۳). در یک بررسی گسترده‌تر می‌بینیم که ارزش‌شناسی شامل مطالعه ارزش‌های زیبایی‌شناختی (آنچه که زیباست) و ارزش‌های اخلاقی (آنچه که خوب است) می‌شود. در نتیجه اخلاقیات در تعریف ارزش‌ها نقشی مهم ایفا می‌کند. در تئوری‌های اخلاقی سعی می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که «چه چیزی خوب است؟» و «چه چیزی صحیح است؟»

شهروندی مقوله‌ای است مرتبط با نحوه عملکرد افراد به‌نحوی که آنها قادر باشند در یک جامعه دموکراتیک، محیط خود و محیط اجتماعی دیگران را به نحو مثبت و بارزی متأثر سازند (۴). تربیت شهروندی مفهوم بحث‌انگیزی است که در تحلیل ابعاد مختلف آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، دیدگاه‌های متضادی وجود داشته‌است (۵)؛ بنابراین انتظار وجود یک تعریف متحد از نظرگاه‌های مختلف به نظر ناممکن است در سال ۱۹۸۹ در سند اهداف ملی استرالیا برای آموزش، این تعریف از تعلیم و تربیت شهروندی مطرح شده‌است: تعلیم و تربیت شهروندی عبارت است از توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌هایی که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا به‌عنوان شهروندان فعال و آگاه در جامعه دموکراتیک در یک شرایط بین‌المللی مشارکت جویند. هیتر نیز در تبیین تربیت شهروندی مؤلفه‌های دانش تاریخی و سیاسی در سطح محلی، ملی، مهارتی و وفاداری به ملت، نگرش‌های مثبت نسبت به دولت سیاسی و مقامات مربوط به آن، اعتقادات و ارزش‌های مهم اجتماعی-سیاسی، اطاعت از قانون و هنجارهای اجتماعی، احساس سودمندی به لحاظ سیاسی و علاقه

نسبت به امور سیاسی و مهارت پیدا کردن در آن را برمی‌شمرد (۶). امروزه کارکرد اساسی تربیت شهروندی فراهم کردن بسترهای لازم برای ایجاد و درونی کردن مجموعه‌ای از شناخت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها و توانایی‌هایی است که برای زندگی مؤثر و کارآمد در جوامع شهری موردنیاز است (۷). اگرچه تربیت شهروندی قدمت به‌طور نسبی زیادی دارد؛ برای نمونه در کشوری چون آمریکا بیش از ۹۰ سال از عمر آن می‌گذرد، اما به دلایلی متعدد، توجه علمی و پژوهشی فزاینده به این مقوله طی دهه‌های گذشته به چند عامل اساسی در کشورهای مختلف جهان بستگی داشته‌باشد. این عوامل به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: مهاجرت، رشد سریع اقتصادی، تحولات سیاسی، گسترش ارتباطات (۴). می‌توان گفت موضوعات شهروندی از خصوصیات اخلاقی تشکیل می‌شوند، یعنی مربوط به آنچه که مردم فکری کنند، درست یا غلط، خوب یا بد است.

دو رویکرد در زمینه آموزش شهروندی وجود دارد. که اینک به توضیح هریک از آنها می‌پردازیم: ۱. رویکرد سنتی: این رویکرد شهروندی، به‌طور عمده نقشی منفعل دارد و طی جریان جامعه‌پذیری که به‌وسیله نهادهای تربیتی و خانواده انجام می‌شود به سوی وفاداری به کشور و دولت خود ترغیب می‌شود (۸). در این دیدگاه به‌طور کل یک بزرگسال هنگامی شهروندی خوب است که از قانون اطاعت کند؛ به هر انتخاباتی رأی دهد؛ مسائل سیاسی را از طریق روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون دنبال کند؛ درباره تاریخ کشور خود بداند؛ برای نمایندگان دولت احترام قائل شود (۹)؛ ۲. رویکرد فعال: این رویکرد درصدد بررسی موضوعات مهم روز و اشاعه فرهنگ مشارکت‌جویی مطابق با اصطلاح جامعه ملی و جهانی است (۱۰). در این رویکرد هر کس حق دارد که عقایدش را آزادانه بیان کرده و دیدگاه‌های خود را در قالب چارچوب‌هایی ارائه‌داده و پیگیری کند (۱۱). بنابراین در رویکرد فعال هنگامی یک بزرگسال شهروندی خوب در نظر گرفته می‌شود که در فعالیت‌هایی که به نفع عموم است مشارکت کند؛ نسبت به مباحثات سیاسی حساس بوده و متعهد باشد؛ در ابتکارات و نوآوری‌هایی که از محیط زندگی حمایت می‌کند مشارکت جوید؛ در فعالیت‌هایی که به‌منظور ارتقای حقوق بشر است شرکت کند. در مقابل قوانینی که معتقد است عادلانه نیست، به‌صورت منتقدانه برخورد کند (۵).

مدارس روسی‌زبان و استونی‌زبان در استونی از بعد اخلاق شهروندی پرداخته‌است (۱۸).

بنابراین با عنایت به مباحث فوق می‌توان گفت که شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که به‌منظور شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها به‌وجودآمده‌است (۱۹). امروزه یکی از اهداف عمده در نظام تعلیم و تربیت پرورش شهروندانی است که در تمامی فعل و انفعالات جامعه مسئولانه و هوشمندانه حضور داشته‌باشند. چنین ضرورتی از دیرباز مورد توجه نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا بوده‌است، از آنجایی که تربیت شهروندی با آموزش اخلاق و ارزش‌ها به‌شدت گره‌خورده‌است و به دلایل مختلف آموزش اخلاق شهروندی چه از نظر ملی و بین‌المللی اهمیت خاص دارد. طی سال‌های جدید بسیاری از کشورها برای لحاظ‌کردن ارزش‌ها نسبت به آموزش شهروندی اصلاحاتی را در برنامه‌های درسی انجام داده‌اند و ارزش‌هایی که به‌عنوان ارزش‌های شهروندی محسوب و شناخته‌می‌شوند، ابعادی گسترده یافته‌است و دلایل آن نه فقط تغییرات سریع اجتماعی، مهاجرت‌ها، زیاده‌شدن جمعیت شهرها، اختلاط فرهنگی‌های گوناگون استعمار فرهنگی، وجود ایدئولوژی‌های افراطی، نژادپرستی و اختلاف شدید طبقاتی هستند، بلکه وجود ایده‌ها و تفکرات آزادی‌خواهانه و حرکت جوامع مختلف به سوی مردم‌سالاری می‌باشند (۲۰). اخلاق شهروندی در هر جامعه تا حدی زیاد تابع فرهنگ، تاریخ، حکومت و شیوه اداره آن کشور و به‌طور کلی فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است و با آموزش ارزش‌ها به‌شدت گره‌خورده‌است و رموز و پیچیدگی‌های موجود در ارزش‌های حاکم بر هر جامعه‌ای، تصویری متفاوت به شهروندان و صلاحیت‌های ضروری آنان می‌دهد (۴). با توجه به نقش اخلاق، ارزش‌ها در تربیت شهروندی، سلسله ارزش‌هایی که امروزه از آن به‌عنوان اخلاق شهروندی نام برده‌می‌شود، ارزش‌هایی غیر از آنچه در فرهنگ برای زندگی متعادل و متعالی و پویا به‌عنوان هدف تعلیم و تربیت در نظر گرفته‌می‌شود نیست؛ بنابراین می‌توان این ارزش‌ها را بخشی عمده از ارزش‌های اساسی در فرهنگ دانست (۱۷). از آنجایی که ارزش‌ها در هر جامعه‌ای ریشه در فلسفه حاکم بر آن جامعه دارد و فلسفه‌های متفاوت آموزه‌های اخلاقی و ارزش‌های متفاوتی از تربیت شهروندی را ارائه می‌دهند، این

دیدگاه‌های آموزش شهروندی را با توجه به اهداف به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

- آموزش درباره شهروندی؛
- آموزش از طریق شهروندی؛
- آموزش برای شهروندی.

آموزش درباره شهروندی بر آماده‌کردن دانش‌آموزان و افراد از نظر دانش کافی و درک تاریخ ملی و ساختارهای زندگی سیاسی و مدنی متمرکز است. در آموزش از طریق شهروندی لازم است یادگیری دانش‌آموزان و افراد به‌واسطه فعالیت‌های به‌طور کامل فعال تجربه‌های مشارکتی در مدرسه یا جامعه محلی و فراتر از آن انجام شود. این یادگیری عنصر دانش را تقویت می‌کند. آموزش برای شهروندی، جدا از اینکه دو رویه مذکور را دربردارد، افراد و دانش‌آموزان را به یک‌سری ابزارها (شامل دانش، درک مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها) مجهز کرده و آنها را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعال و معقول در نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که در زندگی بزرگسالی با آن روبه‌رو خواهند شد داشته‌باشند. این رویه، آموزش شهروندی را با کل تجربه آموزشی دانش‌آموزان پیوند می‌دهد (۱۲). در حال حاضر بیشتر کشورها از جمله کشورهای آسیای جنوب شرقی و اروپای مرکزی و شرقی در حال تلاش برای تغییر از یک دیدگاه آموزش شهروندی رسمی (آموزش درباره) به سوی یک دیدگاه فعالانه‌تر (آموزش از طریق) هستند (۱۳). ذکایی در تحقیقی تحت عنوان «اخلاق شهروندی، هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگر خواهانه» با بررسی که به‌صورت مصاحبه با ۳۳۰ نفر از افراد ساکن در مناطق روستایی و شهری انجام داده به این نتیجه رسیده‌است که اخلاق حاکم بر جامعه هویت جمعی را شکل می‌دهد (۱۴). لطف‌آبادی در تحقیقی به آموزش شهروندی ملی و جهانی و تأثیر آن در تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان پرداخته‌است (۱۵). آشتیانی و دیگران به بررسی ارزش‌های شهروندی برنامه درسی در دوره دبستان را بررسی کرده‌اند. در خارج از کشور تحقیقات بسیار متعددی به‌ویژه درباره آموزش و تربیت شهروندی و اخلاق انجام گرفته‌است (۱۷). لیو در تحقیق خود، یعنی «توسعه ارزش‌های شهروندی» به مطالعه موردی ارزش‌های شهروندی در تایوان توجه کرده‌است (۱۵). توتز در تحقیقی به نام «نقش ارزش‌ها در تربیت شهروندی» به بررسی مقایسه‌ای

تحقیق بر آن است تا به تبیین اخلاق شهروندی بپردازد. به دلیل اهمیت مسئله فوق، متأسفانه بررسی‌های انجام‌شده نشان‌دهنده کم‌توجهی به بنیان‌های ارزش‌شناسی تربیت شهروندی است. بدین ترتیب این تحقیق با توجه به خلأ موجود به رابطه میان ارزش‌ها و تربیت شهروندی می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. جایگاه اخلاق و ارزش‌ها در تربیت شهروندی از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران چگونه است؟ ۲. منابع اخلاق شهروندی کدام‌اند؟ ۳. مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی اخلاق شهروندی کدام است؟ و ۴. چه ارتباطی میان اخلاق و تربیت شهروندی وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر، را می‌توان در زمره پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی به حساب آورد که با استفاده از روش تحلیل اسنادی در پی پاسخ به سؤالات تحقیق است. در این شیوه داده‌های مورد نیاز پس از گردآوری بر اساس اهداف و پرسش‌های تحقیق طبقه‌بندی شده، سپس از طریق تحلیل سؤالات پاسخ‌داده شده است. ابزار استفاده در این پژوهش فیش‌برداری است که در آن از مطالب منابع در رابطه با اخلاق شهروندی (منابع مختلف اعم از فارسی و لاتین)، خلاصه و فیش‌برداری شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تکنیک‌های تحلیل اسنادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در تحلیل اسنادی پس از استخراج و گردآوری داده‌ها از منابع، به سؤالات پژوهشی پاسخ داده می‌شود. نمونه‌های تهیه شده تحقیق حاضر، با توجه به پرسش‌های پژوهش طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

به‌منظور پاسخ سؤال یک پژوهش در رابطه با جایگاه اخلاق و ارزش‌ها در تربیت شهروندی از دیدگاه برخی از فیلسوفان و مربیان تعلیم و تربیت باید گفت، یکی از مسائلی که از دیرباز ذهن فلاسفه سیاسی، اجتماعی و اخلاق را به خود معطوف داشته، بحث شهروندی و همین‌طور آموزش شهروندی و بحث اخلاق شهروندی یا به عبارتی ارزش‌شناسی آن است. بیشتر فلاسفه و مربیان تعلیم و تربیت در این زمینه به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند که در اینجا به بررسی نظرات مهم‌ترین کسانی که در زمینه ارزش‌شناسی تربیت شهروندی به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند، اشاره خواهیم کرد:

یکی از اهداف عمده تربیت، به‌دست‌آوردن فضیلت است و تعریف فضیلت در هر تمدنی با تمدن دیگر فرق دارد (۲۱). افلاطون در کتاب جمهوری خود، تعریف کلاسیکی از انواع فضیلت‌ها ارائه کرده است: فضایل چهارگانه به عقیده افلاطون عبارت‌اند از: خرد، شجاعت، اعتدال و عدالت. افلاطون اعتقاد دارد که باید فرد را مجبور کرد تا با فضیلت باشد. در آخرین اثرش به نام قوانین از تنبیهات سخت درباره بی‌عفتی طرفداری کرده است. افلاطون هم مانند عده‌ای از مربیان امروزی، معتقد است که سانسور رواج داشته باشد و جنبه‌های خلاف اخلاق زندگی و مفاهیم خلاف میهن‌پرستی باید غیر قانونی اعلام شود (۲۲). افلاطون معتقد است که اخلاق شهروندی را باید در سنین اولیه به آنها تعلیم داد و در آنها نهادینه کرد. او حتی متد پیچیده‌ای را به‌منظور آموزش طبقات مختلف شهروندان و نقش سیاسی که هر یک از طبقات باید در امور «پولیس» دولت-شهر بازی کنند طرح‌ریزی کرد (۲۳).

افلاطون معتقد بود که نظام اخلاقی، ارزشی و اعتقادات سیاسی شهروندان بر چگونگی ثبات و نظم نهادهای سیاسی و طرز عملکرد آنها اثر می‌گذارد. از این رو افلاطون فساد موجود اداری و نظام سیاسی و نهادها و تشکیلات وابسته به آنها را به کمبودهایی که در آموزش سیاسی وجود داشت و غفلتی که در این باره صورت می‌گرفت نسبت می‌داد (۲۴). افلاطون معتقد است، ارزش‌هایی که در تربیت شهروند مطلوب به کار می‌رود مطلق و غیر قابل تغییر هستند و فعالیت نهادهای آموزشی در تربیت شهروند باید مبتنی بر اصول دائمی «خوب، صحیح و زیبا» باشد و در این میان ارزش‌های معنوی را از ارزش‌های دیگر برتر می‌داند و معتقد است که ارزش‌های معنوی و اخلاقی بالاترین مرتبه را در میان ارزش‌ها دارند؛ و معیارهایی هستند که باید شهروندان خود را با آنها تطبیق دهند. و اینکه تربیت باید چهار فضیلت بنیادی- اخلاقی، یعنی عدالت، شجاعت و خویشتن‌داری و دانایی را در شهروندان به‌وجود بیاورد.

از آنجاکه ارسطو به تأثیر افلاطون سخن می‌گوید بر آن است که جامعه آنگاه خوب است که زمینه تحول اخلاقی شهروندان را فراهم آورد به‌گونه‌ای که شهروند خوب، همانا انسان خوبی باشد. از این رو بهترین جامعه آن است که بهترین زندگانی را برای شهروندان ممکن سازد. بنابراین نکته باید سنجیده شود که زندگانی خوب کدام است. ارسطو از این

وحشی نجیب، رو راست، صریح و بی‌تکلف است؛ درمقابل انسان به‌طور کامل اجتماعی شده، این صفا و سادگی نخستین خود را ازدست‌داده‌است. زنان و مردان اجتماعی بار آمده، درضمن فرایندهای اجتماعی‌شدن و پرورش یافتن در مؤسسات فاسد یادگرفته‌اند افرادی مبادی‌آداب، اما نقش‌بازانی سلطه‌گر باشند. (۲۵).

به نظر کرشن اشتاینر (۱۹۳۲-۱۸۵۴)، هدف آموزش و پرورش دستیابی به ارزش‌های شهروندی است. وی معتقد بود که کودک بر اساس فرایندی از رشد درونی بزرگ می‌شود و آنچه کسب می‌کند، تا زمانی که با نوعی فعالیت شخصی جذب نشود، به‌طور واقعی جزء وجود او نمی‌شود (۲۶). انسان از راه زندگانی اجتماعی است که با دنیای ارزش‌ها (ارزش‌های نسبی) آشنا می‌شود.

به نظر دیویی، دموکراسی ضرورتی اخلاقی و روش‌شناختی دارد. جامعه دموکراتیک، به وسیع‌ترین صورت ممکن، پذیرای ما هست و مشارکت انسان‌ها و همکاری آنان در زندگی و فرایندهای نهادی است. دیویی به همان صورت که با معیارهای اخلاقی مبتنی بر مابعدالطبیعه مخالفت می‌ورزید، موضع قوی لیبرال‌های کلاسیک در جامعه آمریکا را که به موجب آن منشأ ارزش‌ها را نفع شخصی افراد تشکیل می‌دهد به‌چالش خواند، همچنین با روند تشکیل جامعه سیاسی ازهم‌گسیخته‌ای که مرکب از گروه‌های بهره‌ور ویژه باشد نیز مخالف بود (۲۵). وی معتقد بود، وقتی که دانش به رشد اخلاقی نینجامد، ناچار مریبان برای پرورش اخلاقی کودکان به درس‌های اخلاقی مخصوص و روش‌های انضباطی متوسل می‌شوند. اخلاق، معنا و شمولی وسیع دارد و آموزش و پرورش تاآنجا که شخص را برای شرکت در زندگی اجتماعی آماده می‌سازد، امری اخلاقی است. دیویی وجود مطلق‌ها را که خوب و بد را می‌سنجند رد کرده و بر آزمودن ارزش‌ها بر اساس تجربه انسانی تأکید می‌کند و عقیده دارد که:

۱. اخلاق و امور ارزشی متغیرند و با تغییراتی که در جامعه روی می‌دهد تغییر می‌کند؛

۲. ارزش‌ها احتمالی، یعنی درست‌نما هستند؛ زیرا تحت مجموعه‌ای از شرایط و موقعیت‌های مختلف، ارزش‌های متفاوتی وجود خواهد داشت؛

۳. ارزش‌ها پیامدهایی برای عموم دارند؛ زیرا اخلاق و زیبایی‌شناسی بر اساس تأثیرشان بر اجتماع سنجیده می‌شوند.

سنجش نتیجه‌می‌گیرد که زندگانی خوب، زندگانی آسوده همراه با شایستگی اخلاقی است که همانا میانه‌روی و اندازه‌نگه‌داشتن در کارهاست (۲۳). در اخلاق نیکوماخسی، ارسطو آرمان‌های یونانی میانه‌روی، هماهنگی و توازن را که هسته ارزش‌شناختی یا نظریه ارزش رئالیستی را تشکیل می‌دهند، مورد تأکید قرار داده‌است سیاست ارسطو همچون جمهوری افلاطون به این تشخیص می‌رسد که رابطه متقابلی میان انسان خوب و شهروند خوب وجود دارد (۲۵). ارسطو در سیاست از آنگونه تعلیم و تربیتی دفاع می‌کند که میان فردی که به‌خوبی تربیت شده‌است و شهروند فرهیخته رابطه متقابلی وجود دارد. فرد عاقلی که از تعلیم و تربیت لیبرال برخوردار باشد، برای شهر و جامعه نیز شهروند با ارزشی است. اخلاق شهروندی از دیدگاه ارسطو را این‌گونه می‌توان مطرح کرد که وی اعتقاد دارد ارزش‌هایی که در تربیت شهروندان مورد استفاده قرار می‌گیرند، وجودی مستقل داشته، از طریق عقل انسان قابل شناسایی هستند و آنها را می‌توان کشف کرد، هرچند که شناخت ما ممکن است با خطا همراه باشد. این ارزش‌ها ذاتی، غیر قابل تغییر و عمومی بوده و از ارزش‌های جهانی در تربیت شهروندان طرفداری می‌کند؛ زیرا آنچه که درست است درباره همه شهروندان درست است نه اینکه درباره اعضا یا نژاد یا جامعه‌ای خاص چنین باشد.

روسو معتقد است که امور اخلاقی و ارزش‌هایی که در تربیت شهروندی باید استفاده شود بایستی از تعادل انسان با محیط سرچشمه گیرد. به عقیده روسو انسان طبیعی (وحشی) که آداب و رسوم و تکلفات اجتماعی آلوده‌اش نساخته، نیک است. روسو که در قلب انسان برای شرارت ذاتی جایی نمی‌یافت، معتقد بود که شر از جامعه فاسد سرچشمه می‌گیرد. به عقیده وی بچه هنگام تولد نیک است، چون کودکان زمان تولد به‌طور ذاتی خوب هستند، در صورتی که قرار باشد آموزش و پرورش افرادی خلاق پرورش دهد، باید از انگیزه‌ها و تمایلات طبیعی کودک پیروی کند. برنامه و روش باید از طبیعت کودک نشئت بگیرد. روسو در نظریه اخلاقی خود به‌صورتی که در امیل بیان شده، به وضعیت ابتدایی یا حالت طبیعی انسان به‌عنوان خاستگاه روابط اخلاقی توجه می‌کند. انسان طبیعی به حکم تجربه مستقیم، با محیط خود به تعامل می‌پردازد و با آن روبه‌رو می‌شود، نه از طریق فرمول‌های لفظی یا مجرد کلامی، فلسفی و حقوقی. انسان طبیعی یا

را دارد، صداقت و درستکاری، کوشش برای حمایت از گوناگونی و تفاوت و حفظ آنها، آزادی در انتخاب رابطه‌های انسان و شکیبایی در برابر نظر مخالف (۲۷). رویکرد تعلیم و تربیت پست مدرنیستی فوکو و دریدا تکثرگرایانه است و به تفاوت اهمیتی ویژه می‌دهند، تکثرگرایی مورد نظر آنها در تعلیم و تربیت شهروندی جنبه‌های مختلف دارد. آنان خود را در پذیرش تنوع، اختلافات و تکثرگرایی پیشرو می‌دانند. یک جنبه مورد توجه در تکثرگرایی این است که فرض مبانی، اصول و روش‌های ثابت، یکسان و مشابه برای تعلیم و تربیت بی‌معناست. و ملاک تفاوت در ارزش‌ها، اخلاقیات، سنت‌ها، آداب و رسوم محلی، فرهنگ‌ها، علایق و نیازهای خود جوامع محلی نهفته است (۲۷). از دیدگاه فوکو و دریدا اخلاق امری محلی و خاص است، یعنی هیچ هنجار اخلاقی جهان شمول وجود ندارد و ارزش‌ها را باید در درون گفتمان پیدا کرد. ارزش‌ها و اخلاقیات امری اجتماعی‌اند. ارزش‌ها در واقع با آنچه که ما آنچه انجام می‌دهیم، واقع می‌شوند یک شهروند شایسته‌بودن، به تبع شرایط و اوضاع و احوال تاریخی معنا دارد و امری نسبی است و در تربیت اخلاقی شهروندان شیوه دموکراتیک و غیر اقتدار گرایانه را تجویز می‌کنند و به هر حال اصول و روش‌های اخلاقی ثابت، یکسان و مشابه از نظر آن‌ها (برای تربیت شهروندان) بی‌معنی است (۲۷).

در جهان شرق و عالم اسلام فارابی نخستین دانشمندی که فلسفه مدنیت را مطرح می‌کند. یکی از مبانی و مبادی جامعه مدنی فارابی اخلاق شهروندی است. جامعه مدنی فارابی، جامعه‌ای نظام‌یافته و مبتنی بر نظام اخلاقی و ارزشی است. همین خصیصه است که «هویت» آن را مشخص می‌نماید و جامعه را پویا و بالنده در مسیر غایات و اهداف آن به حرکت درمی‌آورد. ارزش‌های اجتماعی در قالب جامعه مدنی «نهاده‌ها» شده و به همه عناصر فرهنگی ثبات و پایداری می‌بخشند و در مجموع چهار دسته فضایل را در جامعه مدنی به‌وجود می‌آورند: ۱. فضایل نظری؛ ۲. فضایل فکری؛ ۳. فضایل خلقی و ۴. فضایل علمی. ارزشی‌بودن جامعه مدنی به دلیل مبتنی‌بودن بر قوانین الهی است و چون «دین» با فضیلت مساوی است «علم الهی» افضل علوم است و مردمانی که با دین محشورند الگوی اخلاق و فضایل بوده و با عنوان «امت فاضله» و «اهل فاضله» ملقب می‌شوند. کردار و تقریر رئیس مدینه فاضله معیار عمل اهل مدینه است؛

هر عمل یا شیء، فقط در زمینه انسانی یا تجربه اجتماعی وجود دارد، بنابراین یک عمل خوب است اگر از نظر اجتماعی خوب باشد؛

۴. اخلاق و امور ارزشی جهانی نیستند؛ زیرا جوامع از یکدیگر متفاوت‌اند و ذوق و سلیقه در فرهنگ‌های مختلف تغییر پیدامی‌کنند. همین‌طور است تجارب مردم که در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است؛ بنابراین می‌توان گفت که وی خاستگاه افعال، احساسات اخلاقی و زیبایی‌شناختی را تجربه انسانی تلقی می‌کرد نه شهود و واقعیت غایی. برخلاف فلاسفه سنتی واقع‌گرا و ایده‌الیست که جهان را به‌طور ذاتی شامل سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها یافتند، دیویی با اعتقاد به اینکه ارزش‌ها در نتیجه پاسخ‌هایی بروزمی‌کنند که انسان‌ها به شرایط مختلف محیطی می‌دهند، نسبی‌گرایی را در اخلاق پذیرفت (۲۵). البته این نظر حاکی از آن نیست که ارزش‌های اخلاقی از ماهی به ماه دیگر در نوسان باشند، بلکه بدان معناست که هیچ اصل خاصی را نباید بدون توجه به اوضاع و احوال خاصی که در آن عمل شده‌است، برای همه جهانیان الزام‌آور دانست. دیویی معتقد است که ارزش‌های اخلاقی، نظام ارزش‌ها و زیبایی‌شناسی، همه از تجربه انسانی نشئت می‌گیرد و منبع ارزش‌ها می‌شود. روش مناسب برای رشد و تعالی این ارزش‌ها از طریق تجربه به‌دست می‌آید. مدرسه بخشی از جامعه است و یادگیرندگان، نظام ارزش‌ها را با تعامل با دیگران فرامی‌گیرند. روشن‌ساختن ارزش‌ها، بخشی از تجاربی است که دانش‌آموزان از طریق مدرسه می‌آموزند؛ بنابراین به نظر دیویی اخلاق شهروندی، نسبی و به شرایط خاص اجتماعی، روانی و فرهنگی وابسته است و یک ارزش، هدف و ایده‌آل جاوید در آموزش و پرورش شهروندان وجود ندارد و هر ارزشی که برای حیات معنوی و اخلاقی شهروندان مفید باشد از نظر اخلاقی سودمند است و به‌طور طبیعی مدرک و معیار ثابت، مطلق و تغییرناپذیری وجود ندارد. به‌طور خلاصه آنکه در نظر دیویی هیچ اصل اخلاقی مطلق و وجود ندارد، بلکه در هر مورد، عملی را که موجب موفقیت باشد خوب می‌شمارد.

فوکو و دریدا: ارزش‌ها و امور اخلاقی که فوکو و دریدا به‌ویژه در تعلیم و تربیت شهروند بر آن تأکید می‌کنند عبارت‌اند از: تحمل عقاید دیگران، آزادی و برابری، تلاش برای تنوع و دگرگونی و درک این نکته که هر فرهنگی ارزش خاص خود

کمکی اساسی به ما برای بازآفرینی مدرنیته خود بدهد: مدرنیته در تناقض با سنت نیست بلکه باید از دل آن بیرون بیاید. دلیل آنکه ما مدرنیته را بیشتر در تضاد و تنش با سنت می‌بینیم برون‌زایی بودن مدرنیته در تعریف کنونی آن و نبود هم‌خوانی و هم‌سازی آن با فرهنگ بومی است. هر فرهنگ و هر کشوری به دلیل نیاز باید مدرنیته خود را بر اساس سنت‌های خود بسازد. تنوع محلی، قومی، زبانی، وجود سنت‌ها، آداب و رسوم و زبان‌های محلی و قومی برای کشور ما یک نعمت بزرگ است که باید آن را قدر بدانیم و بتوانیم از آن برای ساختن جامعه جدید خود استفاده مناسب بکنیم این کار دو دلیل اصلی دارد: نخست آنکه استفاده و مدیریت صحیح منبعی اضافه برای ساختن شهروندی برای ما به حساب می‌آید و دوم آنکه مدیریت نامناسب و مبتنی بر پیش‌داوری‌های نادرست سبب ایجاد و افزایش خطر تنش و تفرقه‌هایی می‌شود که ما همواره توانسته‌ایم در طول تاریخ خود از آنها پرهیز کنیم.

در کشورهای دیگر ممکن است علم و دریافت‌های علمی منبع اصلی برای اخلاق شهروندی باشد. علم، یک تأثیر فزاینده بر زندگی اقتصادی، سیاسی، پزشکی، نظامی و فرهنگی ملل دارد؛ بنابراین به‌طور اجتناب‌پذیری ارتباطی میان آموزش علم و آموزش شهروندی برقرار است. در واقع تحقیقات بسیاری در خصوص رابطه میان این دو موضوع وجود دارد. آموزش علم، افراد را علیم و به درک نیازهایشان مجهز می‌سازد البته به این شرط که آنها بخواهند بر زندگی عمومی اثر بگذارند، همچنین به آنها کمک می‌کند که ظرفیت‌های انتقادی همچون ارزیابی شواهد و مدارک پیش از نتیجه‌گیری را بالا ببرند. علم می‌تواند افراد را درباره بعد جهانی شهروندی آگاه کند، آگاهی‌ای که مسئولیت‌های ما به‌عنوان شهروند را شامل وفاداری به تمام انسانیت می‌کند. بعضی از پیشرفت‌های علمی جدید ضمن اینکه روی «شهروندی جهانی» اثری مثبت گذاشته‌اند (مانند پیشرفت در حمل و نقل)؛ ارتباطات و فناوری‌های اطلاعاتی برخی آثار منفی نیز داشته‌اند (همچون سلاح‌های کشتار جمعی). بسیاری از موضوعات بحث‌انگیز جدید درباره زندگی معاصر که شهروندان جوان را درگیر خود کرده همه در علم ریشه دارند: مانند انرژی و استفاده از منابع، استفاده از سوخت‌های فسیلی، تحقیقات سلولی بنیادین، درمان ژنی، جمع‌آوری بچه‌های

بنابراین همه فضایل را در وجود خویش گردآوری کرده‌است؛ وی حکیمی خوش‌فکر، خوش‌فهم، خوش‌حافظه، زیرک، باهوش، خوش‌بین و دوستدار تعلیم و تعلم است و بدنی سالم و قوی (برای جهاد) دارد و به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و لذات حریص نیست، دوستدار راستی راستگویان است، همتی بلند دارد و به کرامت انسانی عشق می‌ورزد، در هم و دینار و سایر تعلقات مادی نزد وی حقیر بوده، دوستدار عدالت و عدالت‌خواهان و دشمن جور و ظلم و اهل آن می‌باشد، در تصمیم‌گیری عزمی قوی دارد؛ بنابراین او با کمک خطباء، بلغا، شعرا، نویسندگان، خوانندگان و سایرین به ترویج علم، فضیلت و تعلیم و تعلم در جامعه می‌پردازد و با کمک مجاهدان به ترویج فضیلت جهاد و شهادت همت می‌گمارد و از طریق مقدران، حسابداران، و تولیدکنندگان مدینه به بسط و گسترش فضیلت «عدالت» فردی و اجتماعی می‌پردازد. بنابراین جامعه مدنی فاضله، برخلاف جوامع غیرمدنی که بر اساس سلطه، غلبه، حسب و نسب و خیرات ظنی بنا شده‌اند، این جامعه بر فضایل مشترکی تکیه زده که از سلب نخستین شروع می‌شود و تا هیولی و صورت مادی ادامه دارد. به این ترتیب جامعه‌ای مبتنی بر فضایل و ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و نمادهای فرهنگی به وجود می‌آید. فارابی در زیبایی‌شناسی هم به این امر معتقد است که معماری‌های مختلف، اخلاقی متفاوت را در شهروندان ایجاد می‌کند؛ بنابراین به همین دلیل بایستی در زیباسازی شهر، تربیت اخلاقی شهروندان را در نظر داشته باشیم.

در رابطه با پرسش دوم تحقیق، یعنی منابع اخلاق شهروندی باید گفت منابع اخلاق شهروندی متناسب با فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متعدد باشد. برای نمونه در کشورمان ایران منابع دینی، سنتی و فرهنگی منابع اصلی اخلاق محسوب می‌شود که در ادامه اشاره مختصری به آنها خواهیم داشت:

دین: انسجام و یکدستی دینی در کشور ما نقطه مثبتی به حساب می‌آید. در عین حال اقلیت‌های دینی ایران در چشم‌انداز مشترکی با دین اکثریت قرار دارند.

سنت: ما گنجینه‌ای بزرگ از رفتارها، باورها، عرفها و آداب و رسوم داریم که هنوز در بخش بزرگ خود مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. مطالعه بر پیشینه چند هزار ساله شهرنشینی در ایران و اخلاق انسانی در این کشور می‌تواند

خیابانی، آلودگی، موضوعات زیست‌محیطی، مهندسی ژنتیک. در نتیجه علم بیشتر از ارزشمند بودن آن در گذشته، مواد خام مورد نیاز برای بحث‌های اخلاقی و آموزش اخلاقی را فراهم می‌کند (۲۸). اما همین ماهیت علم و روشی که تحقیق علمی انجام می‌شود، تفکر منطقی و عقلانی را تشویق می‌کند. تفکر منطقی بر اساس قضاوت درباره شواهد موجود، عواقب یافته‌ها، توجه به دیدگاه‌های دیگران و توجه به دیدگاه‌های فردی، همگی مهارت‌هایی هستند که برای پیشرفت و ارتقای افراد جوان در جایگاه شهروند ضروری‌اند و مهارت‌هایی می‌باشند که آموزش علمی می‌تواند به ارتقای آنان کمک کند (۲۹).

در رابطه با سؤال سوم تحقیق، یعنی مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی اخلاق شهروندی باید گفت مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت آدمی، امکانات و محدودیت‌هایش و نیز از ضرورت‌هایی که حیات آن را همواره تحت تأثیر قرار داده‌است بحث می‌کند. مبانی، گزاره‌های توصیفی هستند و به ویژگی‌های کلی آدمی اشاره‌دارند. در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین مبناهای انسان‌شناختی مؤثر در اخلاق شهروندی اشاره خواهد شد.

انسان صاحب کرامت است. کرامت به اصل انسان بازمی‌گردد و اختصاص به دسته معینی از آدمیان ندارد. از این حیث آدمیان همه از یک گوهرند و همه شریفند. انسان بودن خود، مایه کرامت آدمی است و ویژگی‌های جنبی آدمی مانند نژاد، رنگ، جنسیت، ثروت، نوع زبان و فرهنگ، زائل‌کننده این کرامت نیست. امام علی (ع) در خطبه اول نهج‌البلاغه ضمن تشریح چگونگی خلقت انسان، از بزرگی و جایگاه رفیع آدمی میان مخلوقات خداوند یاد کرده و بر کرامت انسان صحنه می‌گذارد آنجا که می‌فرماید: سپس از فرشتگان خواست تا آنچه به عهده دارند انجام دهند و عهده‌ی را که پذیرفته‌اند وفا کنند، اینگونه که بر آدم سجده کرده و او را بزرگ شمارند. نباید فراموش کرد که کرامت آدمی، مشروط به باقی‌ماندن وی در مقام و منزلت انسانی و نیالودن این منزلت است و در صورتی که چنین شود وی نه تنها از کرامت برخوردار نخواهد بود، بلکه به خواری نیز دچار خواهد شد.

انسان آزاد است، از آنجا که آزادی مانند یکی از ارزش‌های اساسی و اجتماعی در قرون اخیر مورد توجه قرار گرفته‌است. انسان آزاد است و این آزادی موهبتی الهی است. آزادی به معنای رهایی صرف نیست، بلکه رهایی باید بر حسب نتایجی

که بر آن مترتب است و فرجامی که برای انسان فراهم می‌کند بازبینی شود. فقط گونه‌ای از رهایی به منزله آزادی نگریسته شود که موانع رشد آدمی را از میان برمی‌دارد و زمینه نیل به تصویر مطلوب از انسان را فراهم می‌کند. در غیر این صورت، آزادی از هر بندی ممکن است، زمینه بردگی امیال و هوس‌ها را به وجود آورد (۲۹). آزادی در لیبرالیسم، به‌طور عمده به صورت سلبی تعریف شده‌است. به عبارت دیگر آزادی به معنای فقدان مانع بیرونی در نظر گرفته می‌شود. آزادی فرد در گرو آن است که دیگران، برای دسترسی فرد به حقوق خود مانعی ایجاد نکنند. در دیدگاه لیبرال، آزادی سلبی جنبه اخلاقی ندارد و فقط شکل سیاسی به خود می‌گیرد. به این معنا که دولت یا افراد نباید آزادی دیگران را محدود سازند. در دیدگاه اسلام، آزادی به شکل سیاسی و سلبی آن فرو کاسته نمی‌شود، بلکه علاوه بر آن به جنبه اخلاقی و ایجابی آن نیز توجه می‌کنند و بسیاری از قیود فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. باید توجه داشت که آزادی مطلق در هیچ اجتماعی وجود ندارد. اجتماع با آزادی مطلق قابل جمع نیست.

اساس اجتماع بر عدالت است. در بحث از این مبنا، عدالت به‌طور کلی مورد نظر بوده و فقط به عدالت در تعلیم و تربیت اختصاص ندارد. عدالت در روابط اجتماعی به معنای عام کلمه؛ در متون اسلامی به دلیل یکی از ارزش‌های اساسی، بلکه اساسی‌ترین ارزش اجتماعی محسوب می‌شود، هر چند عدالت، مانند امری ارزشی، جنبه اعتباری دارد. اما این اعتبار، ثابت و پایدار بوده، زیرا ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با استواری و سعادت جامعه، همواره ثابت است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه در حکمت ۴۲۹ با اشاره به نقش عدالت در استقرار حیات جمعی، آن را «نگهدارنده همگان» دانسته است. یکی از معیارهای اساسی عدالت برابری است، عنصر برابری، به منزله یکی از عناصر اساسی عدالت در عرصه اقتصادی و توزیع بیت‌المال، در زمینه اخلاقی (آنچه را که برای خود می‌خواهد یا نمی‌خواهد، برای دیگران نیز چنان کند)، در مقابل حکومت و قانون (سیاسی)، در عرصه کیفری مطرح است.

احسان و رأفت از ارزش‌های اساسی و اجتماعی است. احسان و رأفت نقش خاصی را در جامعه و روابط انسانی ایفا می‌کند با اینکه عدالت با منطق حسابگرانه و دقیق خود، بنیاد جامعه و روابط اجتماعی را استوار می‌سازد. اما چنان نیست که بتواند بنای رفیع آن را تا انتها با همین منطق بسازد

تربیتی سروکار دارد. البته مکاتب مختلف آموزش و پرورش با مسئله محتوای برنامه‌های تربیت شهروندی برخورد‌های متفاوتی نشان می‌دهند. شکی نیست که نظام‌های تربیتی محتوا را انتخاب می‌کنند و در این انتخاب معیار و میزانی در کار است. معیارها و بنابراین محتوای تعلیم و تربیت شهروندی هم مشمول مطلوب بودن با نظام ارزش‌هاست. برای نمونه ما مواردی از قبیل میهن‌پرستی را در دروسی مانند تاریخ و ادبیات می‌گنجانیم و به‌طور صرف برای موضوعاتی از قبیل ارزش‌های بیگانگان جایی باز نمی‌کنیم، این نشان‌دهنده این است که علم و معرفت برای تبدیل افراد به شهروند مطلوب (خوب) و ارزشمند است و برای اموری چون از خود بیگانگی، فاقد ارزش و حتی خلاف آن و اخلاق هستند. از نتیجه و محتوای تعلیم و تربیت شهروندی که بگذریم وجه دیگر که با مطلوبیت و ارزش ارتباط پیدامی‌کند روش‌هایی است که در تربیت شهروندی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در سنت اسلامی، پس از صدر اسلام و تجربه دینی و اخلاقی آن، فیلسوفانی چون فارابی و ابن سینا مفهوم مدینه فاضله را در سنت نوافلاطونی به‌کار بردند و تجربه اخلاقی را درباره ضرورت‌ها، حقوق و وظایف شهروندان چنین شهری مطرح کردند. در دوران متأخر، منتسکیو در روح‌القوانین، شهروندی را مجموعه‌ای از سازوکارهای اخلاقی و مدنی می‌داند که باید بر روابط میان شهروندان حاکم باشد. با توجه به این پیشینه تاریخی - نظری، اخلاق شهروندی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و عرف‌های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در این زمینه به‌ویژه در شهرهای بزرگ و متوسط همچنین در شهرهای کوچک به دست‌اندرکاران و ساکنان این شهرها، برای زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و به توسعه پایدار، یعنی امکان‌گذار آرام موقعیت‌های مناسب کنونی و از میان‌برداشتن موقعیت‌های نامناسب کنونی، برای نسل‌های آینده امکان‌دهد.

هالستید و پایک اهداف تربیت شهروندی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی شامل سه هدف می‌دانند: آموزش شهروندان آگاه و مطلع، آموزش شهروندان متعهد و فعال و آموزش شهروندان مستقل و متفکر واقعی است. که هدف اول با ارزش‌های اخلاقی هم‌پوشانی‌ای کم دارد. اما هدف دوم و سوم به‌طور کامل ارزش‌های اخلاقی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد (۳۹). جنبه‌های اخلاقی شهروندی به مفهوم یک

و بدون نقص به اتمام برساند. از این روست که احسان و رأفت در مبانی ارزشی جایگاهی خاص پیدامی‌کند. بنابراین می‌توان گفت که بنیاد جامعه بر عدالت بوده و اتمام آن بر احسان رأفت و احسان، ارزشی محدود به خود مسلمانان نیست، هم عدل و هم احسان، دو ارزش اجتماعی عام هستند که حیات اجتماعی، قائم به آنها نگریسته می‌شود. از این رو در آیه ۹-۸ سوره ممتحنه، عدل و احسان نسبت به کافران و مشرکان نیز توصیه شده‌است. اصالت با رأفت و احسان است و آنچه ثانوی و فرعی است، خودداری از دوستی است که هنگام ضرورت یعنی اقدام به دشمنی و تجاوز از ناحیه دیگران صورت می‌پذیرد.

در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش در رابطه با ارتباط میان اخلاق و تربیت شهروندی، باید گفت تعلیم و تربیت شهروندی در مجموع با اخلاق و نظام ارزش‌ها سروکار دارد. در واقع یکی از مسائلی که تعریف تعلیم و تربیت شهروندی را دچار مشکل می‌کند، ارتباط نزدیک آن با نظام ارزش‌هاست. شاید بتوان گفت آموزش اخلاقی و آموزش مدنی هر دو زیرمجموعه‌ای از مجموعه بزرگ‌تری به نام آموزش ارزش‌ها هستند. آموزش اخلاقی یا هر آنچه را که ما به‌طور خاص، آموزش ارزش‌ها می‌نامیم، به‌عنوان شرایط ضروری برای یک شهروند خوب است. به‌طور معمول ابعاد اخلاقی شهروندی بسیار مهم‌تر از ابعاد قانونی یا سیاسی آن است. از آنجا که ارزش‌ها در تربیت شهروندی جایگاهی مهم دارند و از طرفی پرداختن به ارزش‌ها بخش مهمی در فلسفه به‌شمار می‌آید. ارزش‌شناسی در فلسفه نیز خود به دو بخش مهم اخلاق و زیبایی‌شناسی تقسیم می‌شود.

عده‌ای از صاحب‌نظران در این حوزه معتقدند، که آموزش شهروندی باید پرورش ویژگی‌های شهروندی را حول چهار محور اساسی دسته‌بندی و اجرا کند. این چهار محور عبارت‌اند از: ۱. ارزش‌ها؛ ۲. دانش و مهارت‌ها؛ ۳. آگاهی و دانایی و ۴. تعهد و مسئولیت. در برخی دیگر از منابع با ادغام محور دانش و آگاهی، سه محور اساسی تربیت شهروندی را شامل دانش، مهارت و ارزش می‌دانند آنچه در تمام این تقسیم‌بندی‌ها مورد توجه قرار گرفته‌است توجه به بعد اخلاقی و ارزشی تربیت شهروندی است.

بی‌گمان هر فرایند تربیتی که در راستای تربیت شهروند مطلوب به‌کار گرفته می‌شود با محتوا یا به اصطلاح برنامه

- و یک توانایی برای حل آنان را افزایش دهند؛
- محرک اخلاقی را تعریف و تعیین کند که چطور محرک اخلاقی در تصمیم‌گیری شرکت می‌کند؛
- نقش در حال تغییر اخلاق را در یک جهان که از نظر تکنولوژیکی عقب افتاده، درک کند و آگاه باشد که اخلاقیات منطقی و عقلانی برای زنده ماندن در قرن ۲۱ به‌طور کامل ضروری هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت شهروندی به‌شدت با مفهوم ارزش‌ها و اخلاق آمیخته شده و به آن گره‌خورده است. بنابراین اخلاق شهروندی مقوله‌ای عمومی و بین‌رشته‌ای بوده که تمام دیسپلین‌ها و رشته‌های علمی باید به آن بپردازند. اگر بپذیریم تربیت شهروند خوب و اخلاقی یکی از اهداف هر نظام آموزشی باید باشد، آنگاه اخلاق شهروندی در این میان نقش کلیدی پیدا خواهد کرد.

در مجموع پژوهش حاضر، نشان داد که یکی از هدف‌های تربیت در طول تاریخ، تربیت شهروندی مؤثر است (۲۲). شهروندی فقط به‌جا آوردن وظایف سیاسی مقدماتی نیست، بلکه عبارت است از لزوم مدارا، عدالت اجتماعی و پرورش وجدان اجتماعی حقیقی. از قرن‌ها پیش متفکران سیاسی چون افلاطون و ارسطو به‌گونه‌ای به مسئله آموزش سیاسی کودکان و ایفای نقش شهروندی به‌وسیله آنها توجه نشان داده‌اند، اما امروزه توجه به تربیت شهروندی به دلیل عواملی مانند مهاجرت، رشد سریع اقتصادی، تحولات سیاسی و گسترش ارتباطات، بیشتر از گذشته است و تربیت شهروندی شامل دو تفسیر سطحی و عمیق و دو رویکرد سنتی و فعال بوده و از سه طیف «دیدگاه آموزش درباره شهروندی، آموزش از طریق شهروندی و آموزش برای شهروندی» تشکیل می‌شود (۱۳).

بر اساس نتیجه‌گیری که از نظرات مهم‌ترین کسانی که در زمینه اخلاق شهروندی (با توجه به تقدم و تأخر زمانی) به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند، می‌توان گفت که به نظر افلاطون ارزش‌های شهروندی مطلق و غیر قابل تغییر هستند. فعالیت نهادهای آموزشی باید مبتنی بر اصول دائمی خوب، درست و زیبا باشد و ارزش‌های معنوی و اخلاقی بالاترین مرتبه را میان ارزش‌های شهروندی دارا هستند و تربیت بر چهار فضیلت بنیادی - اخلاقی، یعنی عدالت، خویش‌داری،

شهروند خوب محدود می‌شود. البته این صفت ارزیابی‌کننده همیشه ذکر نمی‌شود. اما حضور ناخواسته آن اغلب وجود داشته و مفهوم شهروندی را به یک موضوع ایده‌آل برای اجرای عدالت و انجام وظیفه تبدیل می‌کند که فهم مردم از آن بررسی شده و شکل‌دهی و جهت‌دهی افکار آنان را باعث می‌شود (۳۱). انتظاراتی که یک جامعه از شهروندان خود دارد این است که اعضای جامعه آن نه فقط وظایف رسمی سیاسی خود را به‌عنوان یک شهروند انجام دهند، بلکه از ارزش‌های پایدار جامعه‌ای حمایت کنند که به آن تعلق دارند و برای رسیدن به یک شهروند خوب تلاش کنند (۳۲).

همچنین اخلاقیات به روش‌های زیر ارتقای شهروندی را موجب می‌شوند:

- پیشرفت معنوی (روحانی) را از طریق هوشیاری دانش‌آموزان و دانشجویان و درک و فهم معنا و هدف از زندگی و ارزش‌های مختلف در اجتماع انسانی ترقی می‌دهند؛
 - توسعه اخلاقی را از طریق کمک به دانش‌آموزان برای توسعه تفکر انتقادی درباره تشخیص موضوعات درست از غلط، عدالت، انصاف و الزامات موجود در جامعه ترقی می‌دهند؛
 - پیشرفت اجتماعی را از طریق کمک به دانش‌آموز و دانشجو در به‌دست آوردن درک و فهم مهارت‌های مورد نیاز برای انسجام مسئولیت و مشارکت فعال بهبود می‌بخشد؛
 - پیشرفت فرهنگی را از راه کمک به دانش‌آموزان و دانشجویان در فهم ماهیت و نقش گروه‌های مختلف که به آن تعلق دارند سرعت می‌بخشد و در مقابل تنوع و اختلاف احترام به وجود می‌آورد.
- به‌طور کلی اهداف مورد نظر از آموزش‌های شهروندی در ارتباط با جنبه‌های اخلاقی این است که:
- واژه اخلاقیات را شناسایی و به شیوه‌ای آشکار و ثابت آن را مورد استفاده قرار دهد یا درباره مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی که حرف‌های عام گروهی را انعکاس می‌دهند بحث کنند؛
 - فهم و درک تفاوت میان درست و غلط و مفهوم درست در مقابل نادرست را افزایش دهند؛
 - وضعیت‌های دشوار درست در مقابل نادرست را تحلیل کند

متناسب با ویژگی‌های مختلف افراد تغییرپیدامی‌کند و در زیبایی‌شناسی هم معتقد است که معماری‌های مختلف، اخلاق متفاوتی را در شهروندان ایجاد می‌کند، بنابراین به همین دلیل بایستی در زیباسازی شهر، تربیت اخلاقی شهروندان را در نظر داشته باشیم. به نظر کرشن اشتاینر، اگر غرض تبدیل فرد به شهروندی فرهیخته باشد، باید بتواند از حد ارزش‌های اجتماعی عبور کرده و به مرحله‌ای قدم‌گذارد که عالم ارزش‌هایی است که بی حد و مرز فوق‌زندگانی محصور و محدود فرد و گروه او، یعنی قلمرو ارزش‌های مطلق یا غیرمشروط بوده و در این مرحله است که فرد می‌تواند مربی خود شود.

در رابطه با اخلاق شهروندی باید گفت انتظاراتی که یک جامعه از شهروندان خود دارد، این است که اعضای آن جامعه نه فقط وظایف رسمی سیاسی خود را به‌عنوان یک شهروند انجام دهند، بلکه از ارزش‌های پایدار جامعه‌ای حمایت کنند که به آن تعلق دارند و برای رسیدن به یک شهروند خوب تلاش کنند. بنابراین آموزش شهروندی، پیشرفت معنوی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان را باعث می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق با یافته‌های افرادی چون «کر»، «هایدون»، «دون رو» و «شارلین شوارتز» منطبق است (۳۳). در این زمینه باید گفت، هنر و زیبایی‌شناختی در ایجاد رشد اخلاقی شهروندان، تربیت شهروندان فعال، تربیت شهروند متفکر و به‌طور خلاصه در ایجاد شهروندان خوب مؤثر است. آنچه مسلم است این است که مفهوم شهروندی باید به‌گونه‌ای جامع تعریف و تبیین شود تا ابعاد مختلف آن را از نظر محلی، ملی و جهانی دربرگیرد و ارزش‌هایی مانند احترام، تحمل و بردباری، پذیرش دیگران، ذهنیت و تفکر باز، عدم خشونت، عدالت، تعهد نسبت به عدالت اجتماعی و توجه به سعادت همگانی را مورد تأکید قرار دهد.

پیشنهادات

۱. اخلاقیات شهروندی می‌تواند ابزاری برای تصمیم‌گیری اخلاقی شهروندان باشد. این ابزار به معلمان و طراحان برنامه اجازه می‌دهد که برای تعریف جزئیات مسئولیت اجتماعی و اخلاقی آموزش شهروندی، چارچوبی انعطاف‌پذیر داشته باشند؛
۲. توجه به جنبه‌های هنر و زیبایی‌شناسی در تربیت

شجاعت و دانایی استوار است. به نظر ارسطو نیز اخلاق و ارزش‌های شهروندی، وجودی مستقل دارند و از طریق عقل انسان قابل کشف و شناسایی‌اند، این ارزش‌ها ذاتی، غیر قابل تغییر و عمومی هستند. وی طرفدار ارزش‌های جهانی در تربیت شهروندان بوده و هدف پرورش انسان خوب است که این همانا از طریق رشد ارزش‌های اخلاقی در شهروندان به‌وجود می‌آید. به نظر روسو اخلاق و ارزش شهروندی بایستی از تعادل انسان با محیط سرچشمه‌گیرد و ارزش‌های تربیتی بر فلسفه الهی و ایمانی به خداوند مبتنی است و هدف پرورش شهروندان باتقوا می‌باشد. دیویی معتقد است اخلاق شهروندی امور نسبی و وابسته به شرایط خاص اجتماعی، روانی، فرهنگی و به‌طور کلی شرایط معین بوده و ارزش واحد، هدف و ایده‌آل جاوید در آموزش و پرورش شهروندان وجود ندارد و هر ارزشی که برای حیات معنوی و اخلاقی شهروندان سودمند باشد، به‌طور اخلاقی سودمند است. و به‌طور طبیعی مدرک و معیار ثابت، مطلق و تغییرناپذیری نبوده و هیچ اصل اخلاقی مطلق و وجود ندارد، بلکه هر مورد عملی را که موجب موفقیت باشد خوب می‌شمارد و منبع ارزش‌های شهروندی در فرهنگ جامعه است. فوکو و دریدا نیز قائل به رویکرد تکثرگرایانه در زمینه اخلاق شهروندی هستند و اخلاق را امری محلی و خاص می‌دانند، یعنی هیچ‌هنگار اخلاقی جهان‌شمول وجود ندارد و امور اخلاقی که در تربیت شهروندان به‌کاربرده می‌شوند را باید در درون گفتمان پیدا کرد و ارزش‌ها و اخلاقیات امری اجتماعی‌اند، ارزش‌ها در واقع با آنچه که ما انجام می‌دهیم واقع می‌شوند. شایسته‌بودن یک شهروند، به تبع شرایط و اوضاع و احوال تاریخی معنادار و امری نسبی است، ملاک تفاوت در ارزش‌های شهروندی در اخلاقیات، سنت‌ها، آداب و رسوم محلی، فرهنگ‌ها، علایق و نیازهای خود جوامع محلی نهفته است. امور اخلاقی مورد حمایت پست‌مدرنیسم در زمینه شهروندی عبارت‌اند از: تحمل عقاید دیگران، آزادی و برابری، تلاش برای تنوع و دگرگونی، صداقت و درستکاری، آزادی در انتخاب رابطه‌های انسان، کوشش برای حمایت از گوناگونی و تفاوت و حفظ آنها و شکیبایی در برابر نظر مخالف و آزادی. به نظر فارابی ارزش‌هایی که در تربیت شهروندان باید به‌کارگرفته شود نسبی است. ارزش‌ها و فضایل اخلاقی در شهروندان، از اساس با عادت و تمرین در آنها شکل می‌گیرد و ملکه می‌شود. این ارزش‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف

5. Vahedghokede S. Pathology of citizenship education in the hidden curriculum of secondary education from teachers viewpoint in Tehran, the master's thesis of curriculum planning, Shahid Beheshti University. 2005[In Persian]
 6. Heater D. Citizenship: The Civic Ideal in World History. Politics and Education, Longman, London. 1999 ,p: 6
 7. Amini M. Introduction to Citizenship Education, Kashan: welfare organization. 2003 [In Persian]
 8. Combs A. Conceptual Framework toward a Democratic Citizenship Education Curriculum. University of Manitoba. 2001
 9. Mellor S, Kerry JK. Australian Students Democratic Values and Towards Participation: Indicators from The IEA C civic Education Study. International journal of Education Research vol. 39, No. 6. 2003.
 10. Sears A, Yvonne H. Citizenship Education. Canadian Education Association. In www. ceace. Ac/media/en/citizenship education. 2005
 11. losito B, Annamaria D. Citizenship Democracy, Participation. The Results of The Second IEA civic education study in Italy. International Journal of educational Research. Vol. 39, No. 6. 2003.
 12. Aghazadeh A. principles and rules to govern citizenship education, process and review developments and characteristics such education in Japan, Journal of Educational Innovations. No. 17. 2006[In Persian]
 13. Kerr D. Citizenship Education: An International Comparative In www. Inca. org. uk/pdf/. Citizenship- no- intro- pdf Comparison. 1999
 14. Zokayy, MS, Ethics, citizenship, collective identity and other democratic values, Iranian Sociological Association, No. 5. 2001[In Persian]
 15. Liu A. The role of corporate citizenship values in promoting corporate social performance: pub: Taylor and Francis, Routledge, 2011
۳. گنجاندن ارزش‌های اخلاقی و زیبایی‌شناسی در تربیت شهروندی؛
 ۴. نهادینه‌سازی اخلاق مدنی در میان شهروندان و برنامه‌ریزی در سه سطح محلی، ملی و جهانی و منطبق کردن خود با یک چارچوب جهانی؛
 ۵. حرکت از یک دیدگاه ارزشی پنهان به سوی دیدگاه ارزشی آشکار درباره آموزش شهروندی می‌توانند تفاوتی میان سیاست و عملکرد به‌وجود آورند و باعث تفاوت در نتایج شوند؛
 ۶. داشتن یک رویکرد فعال در زمینه تربیت شهروندی؛
 ۷. تلاش برای تغییر از یک دیدگاه آموزش شهروندی رسمی (آموزش درباره) به سمت یک دیدگاه فعالانه‌تر (آموزش از طریق)؛
 ۸. استفاده از نتایج تجربیات کشورهای دیگر در زمینه آموزش شهروندی، البته با توجه به بافت سیاسی- اجتماعی کشورمان؛
 ۹. پرورش شهروند خوب برای جامعه ایران با توجه به ارزش‌های بومی (نه ارزش‌های بیگانگان)؛
 ۱۰. انجام مطالعات و تحقیقات در زمینه شناسایی ویژگی‌های شهروند خوب (مذهبی) در ایران؛
 ۱۱. اختصاص برنامه درسی مجزا به‌عنوان آموزش شهروندی در برنامه درسی مدارس و دانشگاه‌ها.

منابع

1. Torney Purta Y. Civic Education. In: International Encyclopedia of Curriculum. Edited by A. Lewy. Pergamon Press. Verhu, R (1995) Political Education. In: International Journal or Political Education. 1995
2. Shariatmadari A. Philosophy of education, Tehran: Amir Kabir publication. 2003 [In Persian]
3. Farmahini Farahani M. Philosophy of education, Tehran. Jahad University Press. Tehran University. 2006
4. Fathi Vajargah K, Diba T. Citizenship education, Tehran. Phagher Publication. 2002 [In Persian]

25. Gotek G. Philosophical schools and educational ideas, translation MJ Pakseresht, Tehran samt publication. 2009
26. Safavi A. Global education in the twentieth century, Tehran: Amir Kabir publication. 1995[In Persian]
27. Farmahini Farahani M. Postmodernism and Education, Tehran: Ayegh Publication ,2011[In Persian]
28. Jones A. (ed) Science in Faith: A Christian Perspective on Teaching. 1998
29. Halestead JM, Pike AM. Citizenship and Moral Education (Values in Action), Routledge. p: 49. 2006
30. Farmahini Farahani M. Codification political and social education pattern in Islamic Republic of Iran, research conducted in order to the National document of Education, unpublished. 2007 [In Persian]ed. , Learning and Society.
31. Kidd JR. Canadian Association for Adult Education, Mutual Press. p. 389. 1963
32. McKenzie H . Citizenship Education in Canada ,Prepared by: Political and Social Affairs Division ,BP- 326. 1993
33. Gates EB. Where is The Moral in Citizenship Education? Journal of Moral Education, Routledge. vol. 35, No. 4. 2006
16. Lotfabadi H. National and global citizenship education along with consolidating identity and value system of students. Quarterly Journal of Educational Innovations. No. 17. Fall. 2006[In Persian]
17. Ashtiani M, Fathi Vajargah C. Yemeni M. Evaluation of appropriate methods of citizenship values according to religious principles in curriculum. Tehran: Ministry of Education, Research and Educational Planning Organization. 2002[In Persian]
18. Toots A. The Role of Values in Citizenship Education. International journal Educational Research,. www. Elsevier. com/locate/ijedures. 2003
19. Cadyvar J. Education and the international community, Tehran: Research Institute of education. 2003[In Persian]
20. Cotton K. Education for Citizenship. School Improvement Research Series. WWW. Newel. Org/scpd/sirs/10/c019. html. 1999
21. Ghavam A. Political development and administrative reform, Tehran: Ghos Publications. 1992
22. Mayer F. History of Educational Thought, Tehran: Samt Publications, 1995[In Persian]
23. Naghibzadeh MH. Introduction to Philosophy, Tehran: Tahori Publication , Seventh Edition. 2004[In Persian]
24. Mehrdad H. Political Socialization, Tehran: Pagang publication. 1997[In Persian]

Citizenship ethics: an interdisciplinary issue

Farmahini Farahani, M. *¹

1. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Human Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author, Email: farahani@shahed.ac.ir

Received on: 02/01/2014 Accepted on: 17/02/2014

Abstract

Introduction: In this paper, the role of ethics and values on citizenship education and relationship between ethics and citizenship education has been expressed.

Methods: This research can be classified as a descriptive - analytical study. And all answers derived from documentary analysis.

Results: Concerning to research subject, the main achievement of that, the role of ethics and values in citizenship education should be said that Plato believes the citizenship values are absolute and unchangeable. Aristotle believes that human intellect can discover the values of citizenship and the values are inherent, unchangeable and public. Rousseau believes that the values which used in citizenship education should be originated from human balance with environment. Dewey argues values that should be used in citizenship education are relative and depends on the specific circumstances of social, psychological, cultural, and generally considers certain conditions. Farabi also consider the relative value in the education of citizens. Foucault and Derrida believe that a good citizen depends on historical circumstances, and it is relative. In relation to the second question, it must be said that religion, tradition and culture, are considered the main sources of morality in our country (Iran). In relation to the third question dignity, freedom, kindness and compassion can be outlined the anthropological foundations of citizenship ethics. The fourth research question regarding the relationship between citizenship education and ethics it must be said, values and ethics are being mixed, and the role of values and ethics are outstanding.

Conclusion: citizenship education has been mixed with the values and ethics. Therefore, citizenship Ethics is general and interdisciplinary issue that all disciplines and scientific fields need to be addressed. If , we accept that good citizenship and moral education should be one of the goals of the educational system, then the ethics of citizenship, will play a key role.

Key words: citizenship education, ethics, ethical citizenship, interdisciplinary.